درباب چیستی کارآمدی[1]



دکتر شریف لکزایی

عضو هیئت علمی پژوهشگاه
علوم و فرهنگ اسلامی

در برخی از دیدگاه‌ها، کارآمدی در قالب دو مفهوم کارایی و اثربخشی تعریف می‌شود. از این رو در تعریف کارآمدی به این دو مفهوم اشاره می‌شود که در نتیجه آن، کارایی یعنی یک نظام سیاسی با کم‌ترین هزینه و بالاترین سرعت به اهداف از پیش تعیین شده دست یابد. و اثربخشی نیز به معنای آن است که یک نظام سیاسی به اهداف از پیش تعیین‌شده و مورد نظر خود برسد. بنابراین نظامی کارآمد است که به طور هم‌زمان واجد اثربخشی و کارایی باشد. در

۱- بخشی از پژوهش آزادی و کارآمدی که در پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی در حال انجام است.

تعبیر دیگری، به اثربخشی و کارایی، مؤلفه بهره‌وری نیز اطلاق می‌شود. درواقع، کارآمدی مساوی بهره‌وری است. این نگاه به طور ضمنی این مطلب را درون خود به همراه دارد که کارآمدی بر مشروعیت یک دولت نیز اشاره دارد و در صورت وجود کارآمدی، مشروعیت نظام سیاسی نیز افزایش می‌یابد؛ و به همان نسبت اگر نظام سیاسی فاقد کارآمدی باشد، بر مشروعیت آن تأثیر می گذارد و مشروعیت آن نیز به یقین رو به کاهش خواهد بود. از این روست که از کارآمدیِ نظام سیاسی به عنوان مشروعیت ثانویه هم یاد شده است که مکمل مشروعیت اولیه، قابل احتساب است. مراد از مشروعیت اولیه، مشروعیت قانونی و حقانیت یک نظام سیاسی و دلایل توجیه فلسفی آن است. این که چرا باید اطاعت کرد و از چه کسی یا کسانی باید اطاعت کرد و ابعاد فلسفی الزام سیاسی در اینجا مورد بررسی و گفت‌وگو قرار می‌گیرد. از این رو ممکن است یک نظام سیاسی فاقد مشروعیت اولیه باشد، اما به دلیل کارآمدی بتواند به حیات خود تداوم بخشد و یا این که نظامی واجد حقانیت و مشروعیت اولیه باشد، اما فاقد کارآمدی باشد که در این صورت گفته می‌شود مشروعیت آن نیز با اخلال مواجه

در صورت وجود کارآمدی، مشروعیت نظام سیاسی نیز افزایش می‌یابد؛ و به همان نسبت اگر نظام سیاسی فاقد کارآمدی باشد، بر مشروعیت آن تأثیر می گذارد و مشروعیت آن نیز به یقین رو به کاهش خواهد بود. از این روست که از کارآمدیِ نظام سیاسی به عنوان مشروعیت ثانویه هم یاد شده است که مکمل مشروعیت اولیه، قابل احتساب است.

است و ناکارآمدی نظام سیاسی در حقانیت و قانونی بودن آن نیز تأثیرگذار می‌شود.[1] به نوعی این موضوع با مسأله رضایت نیز گره می‌خورد و بنابراین بر ابعاد و پیچیدگی‌های بحث افزوده می‌شود.

بحث درباره مسأله کارآمدی، امروزه مورد توجه پژوهشگران زیادی قرار گرفته و مباحث مختلفی در این زمینه منتشر شده است. برای نمونه، علیرضا زهیری در کتاب خود با عنوان «درآمدی بر مسأله کارآمدی در جمهوری اسلامی ایران» با بحث در این زمینه، برخی از نظریه‌های کارآمدی را نیز مورد بحث قرار داده است که برای فهم کارآمدی مفیدند. از جمله:

۱) **کارآمدی معطوف به هدف یا نتیجه‌گرایی**
۲) **کارآمدی معطوف به وظیفه یا وظیفه‌گرایی**
۳) **کارآمدی معطوف به تئوری ذاتی عمل**
۴) **کارآمدی معطوف به بهره‌وری یا اثربخشی و کارایی**
۵) **کارآمدی معطوف به رضایت‌مندی**

آنچه در بالا در باب مفهوم کارآمدی گفته شد، در عین حال که به دیگر ابعاد مسأله نیز می‌پردازد، اما بیشتر ناظر به نظریه چهارم از انواع نظریه‌های مربوط به کارآمدی است. اما اگر با نگاه جامعی به نظریه‌های پنج گانه مذکور درباره کارآمدی بنگریم، به نظر می‌رسد از وجه جمع همه موارد مورد اشاره نیز بتوانیم سخن بگوییم. درواقع همان‌طور که در مفهوم آزادی به هفت برداشت از آزادی اشاره شد، در اینجا نیز نه به اندازه قدمت و پردازش مفهوم آزادی، اما با مفهومی مواجهیم که واجد وجوه متنوع و متفاوت است و باید بتوانیم به یک نگاه جامع در این زمینه دست یابیم یا در

۱- علیرضا زهیری، درآمدی بر مسئله کارآمدی در جمهوری اسلامی ایران، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۷، ص ۲۰-۲۲.

این زمینه به اتخاذ موضع بپردازیم. از این‌رو به نظر می‌رسد بتوانیم از فقدان یک نگاه و نظریه در موضوع کارآمدی سخن بگوییم و آن، نگاه و نظریه فضیلت‌گرایی است که می‌تواند در کنار دو نظریه وظیفه‌گرایی و نتیجه‌گرایی، ضلع سومی را تشکیل دهد که معمولاً در نظریه‌های فلسفه اخلاق نیز به آن اشاره می‌شود. بنابراین با این نگاه، صحبت از وجه فضیلت در نظریه‌های کارآمدی مفقود است. البته ممکن است گفته شود که وجه فضیلت‌گرایانه کارآمدی همان مشروعیت اولیه است که به موضوع حقانیت و قانونی بودن نظام سیاسی اشاره دارد؛ اما با این حال می‌توان از حضور فضیلت‌گرایی در نظریه‌های کارآمدی نیز سخن به میان آورد. درواقع از منظر فضیلت‌گرایی، ابزار کارآمدیِ یک نظام سیاسی نیز همانند اهداف و ارزش‌ها و مشروعیت آن اهمیت دارد؛ و در نتیجه به تعبیر امام موسی صدر، با ابزار نامشروع نمی‌توان به اهداف شرافتمندانه دست یافت. از این‌رو ابزار نیز واجد اهمیت می‌شود و باید به آن توجه داشت. کارآمدی به هر بهایی و از هر مسیری می‌تواند به گم شدن اهداف و ارزش‌های مورد نظر در یک جامعه منتهی شود و این مسیر نمی‌تواند انسان را به هدف اصلی خودش رهنمون سازد. از این‌رو است که در مباحث امام موسی صدر مبحث رضایت مورد توجه قرار گرفته است. درواقع ایشان بدون آن که اشاره مستقیمی به مبحث کارآمدی داشته باشند، در بحثی بر مبنای تفسیر برخی از آیات قرآن به موضوع رضایت اشاره می‌کند که بر اساس خدمت و ارائه خدمات عمومی حکمرانان به مردم و ایجاد موقعیت برای مردم پدید آمده است. از این‌رو مبحث رضایت، به ویژه با توجه به استنباط صدر از آیات قرآن کریم، می‌تواند مؤلفه

بسیار مهمی در موضوع کارآمدی به شمار آید؛ و همان طور که گفته شد می‌تواند ربط و نسبت مستقیمی با مشروعیت اولیه نیز نداشته باشد.

علیرضا صدرا نیز که بحث مبسوطی درباره کارآمدی تدارک دیده و در نشست‌های مستقلی به بررسی کارآمدی، به ویژه از منظر انضمامی، پرداخته است ایده‌های مهمی را در بحث کارآمدی مطرح و به ویژه به مطالب مهمی در تبیین این مفهوم اشاره کرده است. برای مثال وی بر این نظر است که نظام اداری و اجرایی فعلی جمهوری اسلامی «توان انتقال انرژی تولید شده توسط انقلاب را ندارد. ما مثال می‌زنیم به ماشینی که موتورش قدرت زیادی تولید کند اما بدنه این خودرو، بدنه ژیان است! خوب نتیجه معلوم است! لذا این قسمت خیلی مسأله مهمی است؛ و اگر ما تمام همت و وقتمان را روی این قسمت سرمایه گذاری کنیم، ارزشش را دارد».[۲] شبیه این مطلب را آیت الله جوادی آملی درباره منطق در حکمت متعالیه بیان کرده است که منطق صوری ارسطویی تاب و توان و کشش حکمت متعالیه را ندارد[۳] و بنابراین باید در اندیشه منطق دیگری بود که بتواند پاسخ‌گوی نیاز دستگاه عظیم فکری حکمت متعالیه باشد.

بر همین قیاس که آزادی به نوعی توانایی است، می‌توان تأکید کرد که بحث اصلی کارآمدی، تولید آزادی و توانایی و قدرت است و تولید آزادی و توانایی و قدرت، بدون کارآمدی ممکن نیست.

۲- علیرضا صدرا، کارآمدی نظام سیاسی و دولت جمهوری اسلامی ایران، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۴۰۲، ص ۳۶.

۳- «منطق رایج، منطق حکمت مشاء است که از ارسطو به نسل حاضر رسیده و شیخ الرئیس کوشش¬های فراوانی درباره آن انجام داده است. البته این منطق برای حمل بار حکمت مشاء مناسب است و می¬تواند تا حدودی بار حکمت اشراق را نیز بر دوش گیرد، اما بار سنگین حکمت متعالیه و سلسله¬ای از مطالب اساسی که در آن مطرح است، با منطق مشاء حل نمی¬شود.» شریف لک¬زایی، سیاست متعالیه از منظر حکمت متعالیه، گفتارهایی از آیت الله جوادی آملی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۴۰۳، ص ۵۹.

درواقع بر اساس نظر علیرضا صدرا، انقلاب اسلامی که واجد پشتوانه‌های لازم نظری و فلسفی است و در میدان نیز برآمده از خواست و اراده گسترده مردم است، میراث‌دار بوروکراسی فشل و ناکارآمدی است که بر روی شانه‌های نفت ایستاده است و از رانت تغذیه می‌کند. در نتیجه، بخش‌های مختلف آن به صورت نامتوازنی متورم شده و مشکلات عدیده‌ای را به دنبال آورده که یکی از آنها نادیده انگاشتن مردم است. نتیجه این که «این ساختار نمی‌تواند ظرفیت‌ها را به کارآمدی تبدیل کند؛ مثل ماشین معیوبی که بهترین بنزین را هم به دود و دم و سر و صدا تبدیل می‌کند؛ اما ماشینی که سالم و با کیفیت است، بلافاصله حرکت می‌کند و آن بنزین را به کیفیت و حرکت تبدیل می‌کند».[۴] از این نظر: «بحث کارآمدی، بحث تولید قدرت است و تولید قدرت، بدون کارآمدی امکان ندارد».[۵] بنابراین بر همین قیاس که آزادی به نوعی توانایی است، می‌توان تأکید کرد که بحث اصلی کارآمدی، تولید آزادی و توانایی و قدرت است و تولید آزادی و توانایی و قدرت، بدون کارآمدی ممکن نیست. در اینجا، کارآمدی به عنوان عنصر تضمین‌کننده و بسط دهنده آزادی نقش‌آفرینی می‌کند. با این نگاه، کارآمدی با ساختار اداری ارتباط مستقیمی می‌یابد و اگر این ساختار بتواند خودش را کارآمد کند، یعنی بهره‌وری (Productivity) و اثربخشی (Efficiency) آن افزایش یابد، به تولید قدرت و ایجاد توانایی پرداخته و باعث شکوفایی استعدادها شده است. از این رو می‌توان گفت بدون کارآمدیِ ساختارِ اداری، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی، قدرتی تولید نخواهد شد و در نتیجه، پیشرفت و حرکت به سمت تمدن

۴- علیرضا صدرا، کارآمدی نظام سیاسی و دولت جمهوری اسلامی ایران، ص ۳۷.
۵- علیرضا صدرا، کارآمدی نظام سیاسی و دولت جمهوری اسلامی ایران، ص ۴۱.

جدید نیز ممکن نخواهد شد. بنابراین کارآمدی در کنار آزادی، به عنوان ابزارهای ضروری و لازم پیشرفت و حرکت به سوی تمدن، قابل طرح است.

گذشته از این که تولید قدرت و توانایی می‌تواند کارآمدی را افزایش دهد، از سوی دیگر ایجاد فرصت و به تعبیر علیرضا صدرا، فرصت‌سازی نیز می‌تواند در مسأله کارآمدی مورد توجه باشد. از نظر ایشان، «کارآمدی در یک کلام یعنی فرصت‌سازی؛ یعنی استفاده بهینه از هر فرصتی»[۶] ایشان در ادامه به ذکر یک مثال در این زمینه می‌پردازد که بسیار آموزنده است و آن اینکه «در دنیا پول‌های کوچک را اندک‌اندک پس‌انداز و جمع می‌کنند تا بعد سرمایه‌گذاری عظیمی انجام دهند. ما پول‌های انباشته و عظیم را تکه‌تکه می‌کنیم و تحت عنوان مثلاً یارانه در جامعه پخش می‌کنیم؛ لذا مشکل ایجاد می‌کنیم. اینجاست که هم ساختارها مشکل دارند و هم سیاست‌ها.»[۷] به نظرم ایجاد فرصت و تولید موقعیت، مسأله بسیار مهمی است که می‌تواند به کارآمدی منتهی شود.

چنان که اشاره شد، امام موسی صدر در تفسیر آیاتی از داستان حضرت یوسف (ع)، بحث بسیار مهمی را ذیل رضایت بر مبنای خدمت به مردم، به عنوان یک اصل عمومی در کسب رضایت الهی، مطرح می‌نماید، که می‌تواند به عنوان یک اصل در بحث کارآمدی و حکمرانی صالح نیز از آن یاد شود. به تعبیر صدر، پادشاهی و حکمرانی حضرت یوسف (ع) نتیجهٔ یک اصل عمومی است و آن تلاش‌های مخلصانه و بی‌چشم‌داشت حضرت یوسف (ع) و تقوای او و نیز فعالیت‌هایی بود که برای

۶- علیرضا صدرا، کارآمدی نظام سیاسی و دولت جمهوری اسلامی ایران، ص ۵۱.
۷- علیرضا صدرا، کارآمدی نظام سیاسی و دولت جمهوری اسلامی ایران، ص ۵۱.

خدمت به مردم مصر انجام داد.[۸] مجموعه اقدامات حضرت یوسف (ع) به گونه‌ای بود که به رضایت مردم و در نتیجه کارآمدی منتهی شد. با این نگاه، صدر به نقد حکمرانی پادشاهان در طول تاریخ پرداخته و بر این نظر است که تاریخ رایج، اساساً تاریخ پادشاهان است؛ در حالی که تاریخ حقیقی، موقعیت‌ها و مواضع مردم و تمدن مردم و دستاوردهای آنان است که هرگز در تاریخ ذکر نشده است.[۹] ایشان سپس به نظر قرآن اشاره می‌کند و معتقد است قرآن درباره حکمرانی پادشاهان ظالم، با تعابیر ناخوشایند یاد کرده و مواضع آنان را تقبیح می‌کند. اما در عین حال یک استثنا نیز وجود دارد و آن حکمرانی ذوالقرنین است؛ که به تعبیر صدر تنها پادشاهی است که قرآن از او تعریف و تمجید کرده است. از نظر صدر این تجلیل از ذوالقرنین به این دلیل است که «او برای مردم موقعیت‌های مناسبی برای زندگی ایجاد کرد و آنان را به کار گماشت».[۱۰] این مطلب از مطالب درخشان در باب حکمرانی کارآمد است که توسط سید موسی صدر مورد تأکید قرار گرفته است. مطلبی که بر مبنای آن رضایت از حکمران هنگامی حاصل می‌شود که شیوه حکمرانی او به ایجاد موقعیت‌های مناسبی برای زندگی مردم بینجامد. درواقع می‌توان تأکید کرد که کارآمدی در اینجا یعنی خلق فرصت‌ها و ایجاد موقعیت‌های مناسب برای شهروندان که باعث برخورداری از بهره‌های مادی و معنوی و ایجاد رفاه بیشتر برای آنان شود. از این‌رو می‌توان گفت ایجاد فرصت و موقعیت برای مردم و خدمت به آنان، می‌تواند اسباب رضایت آنان را فراهم آورد و

۸- سید موسی صدر، گام به گام با امام، ج۱۰، به اهتمام یعقوب ضاهر، ترجمه مهدی فرخیان و گروه مترجمان، تهران، مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر، ص ۹۴.

۹- ر.ک. به: علیرضا صدرا، کارآمدی نظام سیاسی و دولت جمهوری اسلامی ایران، ص ۸۴.

۱۰- سید موسی صدر، گام به گام با امام، ج۱۰، به اهتمام یعقوب ضاهر، ترجمه مهدی فرخیان و گروه مترجمان، تهران، مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر، ص ۹۴.

این رضایت به مثابه کارآمدی در نظر گرفته شود. این در حالی است که در برخی از نظریه‌ها، مانند نظریهٔ توفیق، وظایفی برای دولت مشخص می‌شود که انجام دهد و در این میان، رضایت مردم در این نظریه واجد اهمیت نیست. آنچه برای نظریه توفیق اهمیت دارد این است که دولت به اهداف خود دست یابد[۱۱]، در حالی که در دیدگاه صدر آنچه می‌تواند جامعه را توانمند سازد، موضوع رضایت عمومی است که با انجام خدمات عمومی توسط دولت صورت می‌گیرد.

دولت مطلوبی که می‌تواند کارآمدی را به همراه آورد، دولت کارگزار است که در اجرا مداخله نمی‌کند و میدان را به مردم و نهادهای مردمی می‌دهد.

به نظر می‌رسد با چنین نگاهی، مفهوم کارآمدی نیز به گونه عمیق‌تری فهم و ارزیابی می‌شود و عناصر متفاوت‌تری برای تبیین آن به خدمت گرفته می‌شود. اما در هر صورت مطلب مهم این است که تبیین مفهوم کارآمدی به نوعی با موضوع دولت گره خورده و با نهادهای دولت نمود می‌یابد. چنانکه در بالا موضوع ساختار مطرح شد، در ادامه می‌توان این بحث را در سطح کلان‌تری مطرح کرد که چه دولتی کارآمد خواهد بود و یا در چه نوع دولتی کارآمدی وجود دارد؟ علیرضا صدرا در این زمینه از سه نوع دولت سخن گفته که کارآمدی در هر کدام مسیر خاصی را طی خواهد نمود:

۱) دولت کارپرداز که دولتی حداقلی و ابزار سرمایه‌سالاری است.

۲) دولت کارگزین که دولتی حداکثری و ابزار سوسیالیست‌ها است.

۳) دولت کارگزار که دولت هادی، امام، ولیّ و معمار و دولت

۱۱- سید موسی صدر، گام به گام با امام، ج۱۰، به اهتمام یعقوب ضاهر، ترجمه مهدی فرخیان و گروه مترجمان، تهران، مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر، ص ۹۴.

منتخب ایشان و نمونهٔ یک دولت کارآمد است.

گذشته از نوع نام‌گذاری و موافقت و مخالفت با این سه‌گانه، اما ایشان بر این نظر است که سوسیالیست‌ها به طرف دولت‌های حداکثری و کارگزین می‌روند. این دولت، هم مالک، هم مدیر و هم مجری است. لیبرال‌ها به سمت دولت کارپرداز گرایش دارند و همه ابزارها در اختیار سرمایه‌دارها است. اما در مقابل این دو، دولت کارگزار، دولتی سیاست‌گذار و سیاست‌مدار است؛ خودش سیاست‌ها را تنظیم و اعمال می‌کند، اما آن سیاست‌ها را اجرا نمی‌کند و وارد فاز اجرا نمی‌شود. این دیدگاه درباره این که چه کسی سیاست‌ها را اجرا می‌کند، بر این نظر است که خود مردم سیاست‌ها را اجرا می‌کنند و نهادهای دولت درگیر اجرا نمی‌شوند. بنابراین دولت مطلوبی که می‌تواند کارآمدی را به همراه آورد، دولت کارگزار است که در اجرا مداخله نمی‌کند و میدان را به مردم و نهادهای مردمی می‌دهد. البته، اصل مداخله دولت در امور مختلف در همه انواع دولت‌ها کمابیش پذیرفته شده است؛ اما این که حد و حدود آن چه مقدار باشد و در مقابل، حدود آزادی فرد تا کجا گسترش یابد، در هر کدام از مدل‌های طرح و تجربه‌شده درباره دولت‌ها متفاوت می‌شود. در این میان، به تعبیر دکتر صدرا، دولت کارگزار، حوزه مداخله خود را در سیاست‌گذاری و سیاست‌مداری تعریف کرده است. این تأکید نیز در ادامه از سوی ایشان آمده است که: «اگر بخواهیم دولت را کارآمد کنیم، دولت، نه همه کاره و نه هیچ کاره، بلکه باید دولت، معمار جامعه باشد. ما یا دولتمان همه کاره هست یا هیچ‌کاره؛ یا رها می‌کند یا بنگاه‌دار می‌شود».[۱۲]

۱۲- ر.علیرضا صدرا، کارآمدی نظام سیاسی و دولت جمهوری اسلامی ایران، ص ۶۳.

به‌نظر می‌رسد دیدگاه ایشان در زمینه حدود اختیارات دولت، به گونه‌ای طرح شده است که دولت را درگیر امور اجرایی نمی‌کند و از ایجاد و تداوم «دولت متورم» جلوگیری می‌کند. در عین حال که، وظیفه طراحی سیاست‌های کلی در هر کشوری نیز برعهده دولت است؛ و این نگاه می‌تواند دولت را از آنچه به عنوان دولت حداقلی در مفهوم رایج است دور نگاه دارد.

اما درباره مفهوم کارآمدی، علیرضا صدرا این مفهوم را از دیگر مفاهیم به کار گرفته‌شده در این زمینه و مفاهیم مشابه تفکیک کرده است که به فهم بیشتر این مفهوم کمک می‌کند. از نظر وی اقتصاددانان کارآمدی را به بهره‌وری، و اصحاب رشته مدیریت کارآمدی را به اثربخشی تعریف کرده‌اند. حال آنکه از نظر ایشان در توضیح مفهوم کارآمدی باید چهار عنصر را از همدیگر جدا کنیم.

۱) **کارایی، که مربوط به نیروی انسانی است.**
۲) **کارآمدی، که مربوط به نظام‌ها و نهادها است**
۳) **بهره‌وری**
۴) **اثربخشی**[۱۳]

دکتر صدرا در جمع‌بندی از مفهوم کارآمدی بر این نظر است که «جامع‌ترین تعریفی که ما می‌توانیم از کارآمدی ارائه بدهیم، جمع بهره‌وری و اثربخشی است. باز هم همان است که مولای متقیان می‌فرماید: «اعطاء کل ذی حقٍ حقه»؛ یعنی بهره‌ور و توانمند باشد که ظرفیت لازمش بروز پیدا کند. دوم، اثربخش باشد؛ یعنی بتواند نقشش را ایفا کند؛ هم رسایی و سازواری، هم بهره‌وری و اثربخشی؛ اگر سیستم این دو عنصر را داشت، کارآمد است. بعضی‌ها رسایی را مطرح می‌کنند، در

۱۳- علیرضا صدرا، کارآمدی نظام سیاسی و دولت جمهوری اسلامی ایران، ص ۶۸.

حالی که سازواری هم باید باشد. هر دو باید باشد. ما مثال ماشین را در همین راستا ذکر کردیم: اتومبیل باشد ولی شمع را نداشته باشد، یا شمع آن کیفیت لازم را نداشته باشد، ماشین کار نمی‌کند. یا شمع سر جایش نباشد، یا سرجایش باشد اما محکم و تنظیم نباشد، باز هم کار نمی‌کند. پس ما برای کارآمدی در ساختارهایمان، به این دو عنصر نیاز داریم».[۱۴]

بنابر نظر دکتر صدرا که بحث کارآمدی را به طور مبسوط مورد بحث و گفت‌وگو قرار داده است، در تبیین مفهوم کارآمدی دو مفهوم بهره‌وری و اثربخشی، مؤثر تلقی می‌شوند که ناظر به دو نگاه اقتصادی و مدیریتی است. افزون بر این، ایشان میان کارایی و کارآمدی نیز تفاوت مهمی قرار می‌دهد. در نگاه وی کارایی به فرد و نیروی انسانی باز می‌گردد و عمدتاً فردی است و کارآمدی مربوط به نهاد و نظام است. بنابراین وجهی جمعی و گروهی و نهادی می‌یابد و از فرد عبور می‌کند. از این‌رو می‌توان گفت که دو مؤلفه بهره‌وری و اثربخشی در درون کارآمدی مستتر است که می‌تواند ابعاد کارآمدی را بهتر نشان دهد و کارآمدی را از کارایی که وجهی فردی دارد جدا کند. شاید هم بتوان گفت که هم کارایی و هم کارآمدی در بهره‌وری و اثربخشی مؤثرند. چنان که در مثال خودرو این وضعیت را بهتر می‌توان توضیح داد. به این معنا که خودروی آخرین سیستم را در اختیار داریم، اما رانندهٔ مجربی نیست که بهترین بهره‌وری و اثربخشی را تولید نماید. از این‌رو به نظر می‌رسد تأکید صدرا بر بحث کارایی که به نقش نیروی انسانی اشاره دارد نیز، در کنار کارآمدی که به نهادها و نظام‌ها اشاره دارد، می‌تواند مؤثر قلمداد شود و مورد غفلت و بی‌توجهی قرار نگیرد. البته جدای از این که نیروی انسانی مدیر و ماهر

۱۴- علیرضا صدرا، کارآمدی نظام سیاسی و دولت جمهوری اسلامی ایران، ص ۶۹.

و توانمند می‌تواند به طور مؤثری به کارآمدی منجر شود، اما بحث، گسترده‌تر از نیروی انسانی می‌تواند مورد توجه قرار گیرد و آن هم حضور عمومی مردم در تمامی فعالیت‌های عمومی است که در کشور اتفاق می‌افتد. درواقع توسعه یک امر فردی تلقی نمی‌شود و نمی‌تواند بدون کارآمدی پدید آید. آنچه می‌تواند کارآمدی و در نتیجه توسعه را رقم زند، حضور مردم در فعالیت‌ها است. این حضور خواست انقلاب اسلامی و دیدگاه رهبران انقلاب اسلامی است. بررسی چهار دهه فعالیت بعد از انقلاب اسلامی هم نشان می‌دهد هرکجا مردم حضور داشته‌اند، کارآمدی هم بوده و هر کجا مردم غایب بوده‌اند، ناکارآمدی حاکم بوده است. طبعاً این دیدگاه در مغایرت با مداخله گسترده دولت در تمامی امور است. اساساً چنین دیدگاهی نمی‌تواند توسعه را به دنبال داشته باشد؛ زیرا منابع و امکانات دولت محدود است و دولت نمی‌تواند رأساً در همهٔ امور مداخله نماید. از این رو باید بخش زیادی از امور عمومی اجرایی کشور را به مردم بسپارد و خود در نقش سیاست‌گذار و ناظر به فعالیت بپردازد. از این‌رو است که علیرضا صدرا نظریه استصلاح را مطرح می‌کند. دروقع از نظر ایشان با توجه به اهداف مستتر در انقلاب اسلامی، سایر نظریه‌ها نمی‌توانند کارآمدی ایجاد کنند؛ بلکه استصلاح خلق و نه اصلاح خلق است که می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. به تعبیر ایشان، «خود خلق باید بخواهد؛ خواستن می‌شود بازدهی، که جامع این‌هاست»؛[۱۵] به تعبیری دیگر «کارآمدی درونی است و از درون آغاز می‌شود و بعد ظهور و بروز پیدا می‌کند».[۱۶] این نگاه مطابق با نگاهی است که در

۱۵- علیرضا صدرا، کارآمدی نظام سیاسی و دولت جمهوری اسلامی ایران، ص ۸۵.
۱۶- علیرضا صدرا، کارآمدی نظام سیاسی و دولت جمهوری اسلامی ایران، ص ۹۸.

انقلاب اسلامی حضور داشت؛ و بر مبنای آن تفاوت و تمایز و شکافی میان دولت و ملت نباید باشد. بنابراین حضور مردم به معنای آن است که کارآمدی وجود دارد.

مطلب دیگری که درباره مفهوم کارآمدی باید بدان توجه داشت و بر موارد فوق افزود، این است که نگاه به کارآمدی می‌تواند نوعی نگاهی تشکیکی باشد. علیرضا صدرا ضمن تأیید این مطلب که می‌توان نگاهی تشکیکی به مفهوم کارآمدی داشت، بر این مطلب تأکید می‌کند که «قرآن می‌فرماید رابطه تداولی وجود دارد: «تلک الایام نداولها بین الناس»».[۱۷] کمال و کارآمدی لازم است. رسایی و سازواری باعث می‌شود اثربخشی و بهره‌وری بالا برود. بعد این حلزونی رشد می‌کند و دو مرتبه کمال بالاتر، کارآمدی بالاتر، سازواری و رسایی بالاتر. سازواری و رسایی بالاتر، بهره‌وری و اثربخشی بالاتر و برتر را ایجاب و ایجاد می‌کند و همین‌طور رشد می‌کند. به این مدل، قرآن، مدل تداول می‌گوید. تداول غیر از تعامل است، تداول هم‌افزاست و سینرژی ایجاد می‌کند، که تشکیکی، متعادل، متعالی و اشتراکی است؛ در عین حال هیچ مرحله‌اش مثل مرحله دیگر نیست: «وَ قَدْ خَلَقَكُمْ أَطْواراً»[۱۸]؛ طور به طور است».[۱۹] به نظر می‌رسد مراد علیرضا صدرا از تشکیکی بودن، به نوعی وجود انعطاف و چنان که تصریح کرده است، وجود هم‌افزایی است. هنگاهی که تشکیکی شد، واجد شدت و ضعف و دارای مراتب مختلف است. ممکن است در جایی شدت بیشتری داشته باشد اما در جای دیگری ضعیف باشد. به تعبیری صفر و یک و سیاه و سفید نیست؛ بلکه صفر و صد و خاکستری است. با چنین نگاهی می‌توان

۱۷- سورهٔ آل عمران، آیهٔ ۱۴۱.
۱۸- سورهٔ نوح، آیهٔ ۱۴.
۱۹- علیرضا صدرا، کارآمدی نظام سیاسی و دولت جمهوری اسلامی ایران، ص ۸۷.

گفت مفهوم آزادی و کارآمدی تا حد زیادی به یکدیگر نزدیک می‌شوند که ضمن هم‌افزایی میان این دو در واقعیت، از سویی افزایش و شدت حضور هر کدام در جامعه، می‌تواند به افزایش دیگری هم بینجامد.

در پایان این بخش مناسب است نسبت به مراحل کارآمدی نیز اشاراتی داشته باشیم. علیرضا صدرا در بحث‌های مربوط به کارآمدی به این مطلب توجه داشته و بر این نظر است که کارآمدی واجد چهار مرحله است:

۱) **تبیین علمی**

۲) **ترسیم علمی-عملی**

۳) **ترویج و گفتمان‌سازی**

۴) **تحقق علمی عینی و خارجی.**[۲۰]

طبیعی است که هر کدام از مراحل، به ویژه مرحله نخست از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. اما بخش چهارم نیز از نظر وی واجد اهمیت بسیاری است. از این‌رو معتقد است مرحله چهارم نیازمند مدیریت کارآمد است. از نظر دکتر صدرا مدیریت کارآمد و بلکه کارآمدساز، خود واجد چهار محور به قرار زیر است: ۱) بسیج منابع، ۲) سازماندهی و اداره، ۳) نظارت و کنترل، و ۴) آسیب شناسی و آسیب زدایی.[۲۱] با فرض تحقق چهار مرحله مذکور و به ویژه مرحله چهارم که خود در چهار محور باید انجام گیرد، می‌توان گفت که کارآمدی تحقق یافته است. بنابراین به همان میزان که مباحث نظری در تبیین مراد از کارآمدی در اینجا اهمیت دارد، مباحث غیر نظری و به ویژه تلاش برای برخورداری از مدیریت کارآمد و کارآمدساز نیز اهمیت دارد. چه بسا در صورت فقدان هر کدام از این

۲۰- علیرضا صدرا، کارآمدی نظام سیاسی و دولت جمهوری اسلامی ایران، ص ۱۰۲.
۲۱- علیرضا صدرا، کارآمدی نظام سیاسی و دولت جمهوری اسلامی ایران، ص ۱۰۲.

مراحل و محورهای مورد اشاره، نتوان به کارآمدی مطلوب دست یافت.

درواقع ویژگی یک سیستم کارآمد این است که، به تعبیر علیرضا صدرا، واجد عناصر زایا و پویا و پایا باشد.[۲۲]

در هر حال نباید از این مطلب بگذریم که بر اساس مراحل کارآمدی، مباحث نظری نیز باید به صورت دقیق مطرح شده باشد. طبعاً اهمیت مباحث نظری کم‌تر از بهره‌وری و اثربخشی نیست. علیرضا صدرا در اهمیت این بحث تصریح می‌کند برای این که در عمل موفق باشیم، در مقام نظر باید کاملاً دقیق باشیم و از مباحث سهل و ممتنع، پهلوانانه عبور کنیم.[۲۳] افزون بر این، به تعبیر ایشان هرچه نظام بینشی و نظام ارزشی جامعه سازوارتر و رساتر باشد، خروجی و کارآمدی‌اش بالاتر است و هرچه در داخلِ این حلقه‌ها و عوالم، ناسازواری یا خلأ وجود داشته باشد، ناکارآمدی ایجاد می‌کند.[۲۴] به عبارتی اگر خلأ ارزشی یا بینشی، به کنش تبدیل شود، به همان میزان ناکارآمدی ایجاد می‌کند. در کنار این موارد وجود امید و انگیزه، یک نیاز اساسی برای تحقق کارآمدی در یک جامعه است. جامعه فاقد امیدواری، اگرچه به لحاظ نظری نیز از قوت‌های لازم برخوردار و بهره‌مند باشد، اما نمی‌تواند آنچنان که باید به تلاش و حرکت بپردازد. درواقع

۲۲- «سیستمی که کارآمد است، مرتب خود را بازمهندسی می‌کند، "یا ایها الذین آمنوا آمِنوا، ای کسانی که ایمان آورده‌اید، ایمان بیاورید" (نساء، ۱۳۶). سیستم زنده، به ویژه هوشمند باید کارآمد باشد و خودش را مرتب به‌روز کند. حالا ممکن است ما فلان زمان کارآمد بوده‌ایم؛ الان چطور؟ آیا الان هم کارآمدیم؟ باید به تناسب و نیازمان کارآمدی به روز شود. سیستمی واقعاً کارآمد است که سه تا عنصر داشته باشد: ۱.زایایی، ۲.پویایی، ۳.پایایی. اگر هر کدام از این عناصر را از دست بدهد، آرام آرام طبیعت بر او غلبه پیدا می‌کند و از بین می‌رود. اگر پویایی را از دست بدهد و نیروی جدید تولید نکند و خودش را به‌روز نگه ندارد، شروع می‌کند به پیر شدن و بعد هم از بین می‌رود؛ بنابراین این سه عنصر را هم باید داشته باشد». علیرضا صدرا، کارآمدی نظام سیاسی و دولت جمهوری اسلامی ایران، ص ۱۰۲-۱۰۳.

۲۳- «باید توجه داشت که در اینجا غامض‌گویی مطرح نیست، بلکه بحث، ماهیت سهل ممتنع دارد. شما امنیت را درک می‌کنید، اما وقتی وارد تعریف بشوید، می‌بینید آنجا پهلوان‌ها هم سپر انداخته‌اند؛ چون نمی‌شود تعریفش کرد؛ می‌شود فهم کرد، وجود دارد، اما نمی‌شود بیان کرد؛ مثلاً نور را می‌بینید، وقتی می‌خواهید نور را تعریف کنید، نمی‌توانید. اصلاً قابل تعریف نیست، اما قابل فهم است؛ موجود هم هست. کارآمدی این طور است. کارآمدی، به نوعی از جلوه‌های وجود است؛ بلکه ارتقای وجود است.» علیرضا صدرا، کارآمدی نظام سیاسی و دولت جمهوری اسلامی ایران، ص ۹۷-۹۸.

۲۴- علیرضا صدرا، کارآمدی نظام سیاسی و دولت جمهوری اسلامی ایران، ص ۶۵.

امیـدواری، ایجـاد انگیـزه و حرکـت می‌کنـد. بـه تعبیـر دکتـر صـدرا «امیـدواری لازمـه کارآمـدی و لازمـه حرکـت اسـت». [۲۵] امیـدواری جـزء عوامـل موجـده و مؤثـره‌ای اسـت کـه تأثیـر خـاص خـود را برجـای می‌گـذارد و نقـش و تأثیـر تعیین‌کننـده‌ای دارد. [۲۶]

۲۵- علیرضا صدرا، کارآمدی نظام سیاسی و دولت جمهوری اسلامی ایران، ص ۱۰۵.
۲۶- علیرضا صدرا، کارآمدی نظام سیاسی و دولت جمهوری اسلامی ایران، ص ۱۰۵.



■ مسجد شیخ لطف الله - اصفهان